

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق  
۰۵ سپتمبر ۲۰۲۳



محمد محق

## استبداد دینی در افغانستان

از روزگاری که عبد الرحمن کواکبی کتاب "طبائع الاستبداد" را نوشت و از عواقب مرگبار آن برای ملت‌ها هشدار داد تا امروز بیش‌تر از یک قرن می‌گذرد، اما این منطقه و مردمانش هنوز از چنگ این اختاپوس رهائی نیافته‌اند. دوره‌های آزادی مانند نسیمی ملایم می‌آیند و می‌روند، اما ابرهای تیره و سنگین استبداد از فضای این سرزمین‌ها رخت بر نمی‌بندند. استبداد مترادف ظلم، بیداد، تبعیض، سرکوب و شکنجه است، و از این رو تاریک‌ترین دوران‌ها را برای ملت‌ها رقم می‌زند.

استبداد مخصوص افغانستان نیست و بسیاری از کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای مسلمان گرفتار نظام‌های استبدادی‌اند، اما افغانستان خطرناک‌ترین نوع استبداد را تجربه می‌کند که استبداد دینی است. استبداد دینی از این رو خطرناک‌تر از دیگر گونه‌های استبداد است که همه رفتارها و کردارهای خود را به دین پیوند می‌دهد و هر اقدام ستم‌گرانه‌اش را به نام خدا و پیامبر گره می‌زند. این روش، در جوامعی با اکثریت سنتی و متدین مؤثریت بیش‌تر دارد و به طول عمر بیش‌تر ظلم و ستم می‌انجامد و خفقان و اختناق را نهادینه می‌کند.

نظام‌های سلطه مبتنی بر استبداد دینی تلاش می‌کنند که با معرفی خود به عنوان نماینده خدا در روی زمین، بندگی مردم در برابر خدا را به بردگی آنان در برابر خود تبدیل کنند. از این طریق، بردگی و برده‌خوئی در ذهن و روان جامعه تزریق، و ذلت و ستم‌پذیری با خون مردم عجین می‌شود. در چنین نظام‌هایی مردم مجبورند حتی در مراسم دینی مانند خطبه‌های نماز جمعه و مانند آن نام دیکتاتور را در کنار نام خدا و پیامبر و در ردیف مقدسات ذکر کنند. خطبه خواندن به نام کسی برکشیدن وی به مقام خدائی است، زیرا یک انسان عادی حق ندارد که نامش در سیاقی قدسی و عبادی ذکر شود و مفهوم قداست را در ذهن عبادت‌کنندگان تداعی کند.

در نظام‌های استبداد دینی حاکم در جایگاه خدا می‌نشیند. در قرآن مجید در اوصاف خداوند آمده است: "او در برابر هیچ یک از کارهایی که می‌کند بازخواست نمی‌شود ولی مردم بازخواست می‌شوند." (سوره انبیاء، آیت ۲۳) نظام‌های

استبداد دینی دقیقاً به همین گونه امیر المؤمنین، ولی فقیه و رهبر اعلاى خود را در چنین مقامی قرار می‌دهند، تا هیچ کس حق و صلاحیت بازخواست از او را نداشته باشد، اما او در باره هر کس صلاحیت بازخواست، حسابرسی، و کيفردهی داشته باشد.

در چنین نظام‌هائی، رابطه میان رهبری و زیردستانش رابطه عمودی از بالا به پائین و با صبغه پیری و مریدی است که با کرنش و تعظیم درونی همراه است. طبیعی است که در چنین نظامی امکان اعتراض و انتقاد نیست و جایش را تعبد و اطاعت کورکورانه می‌گیرد. رفتار حاکمان در این گونه نظام‌ها، همه برای مصلحت شرع و برپائی دین قلمداد، و فریبکاری ساختاری در سراسر کشور گسترده می‌شود. دین در چنین نظام‌هائی تبدیل می‌شود به ابزار برده‌سازی فکری و روحی انسان‌ها در برابر حاکمان، و ترسیخ ذلت و زبونی تا اعماق استخوان‌های محکومان.

رهائی از چنگ استبداد دینی دشوارتر از سایر گونه‌های استبداد است، زیرا مخالفت با آن در نظر عوام الناس مخالفت با دین و مقدسات جلوه می‌کند و حتی فریب‌خوردگان خود به ابزار سرکوب و گروه‌های فشار در برابر دگراندیشان و آزادی‌خواهان مبدل می‌شوند. نظام‌های استبدادی رعایای استبدادزده، حقیر و فرومایه پرورش می‌دهند تا مانند مواشی سرنوشت خود را به دست قصابان خود بسپارند و لب از لب نگشایند.